

کتاب دانیال — شماره یک صد و چهل و هشت

آشکارسازی جداول نبوی: رؤیای حبقوق و خواب میلر

Jeff Pippenger

2024-03-20

افزایش معرفتی که با رؤیای نهر اولای نمود یافته است، همان چیزی است که در نهایت بر دو لوح حبقوق نوشته شد.

«درهم‌تنیده با نبوت‌هایی که آنان آن‌ها را ناظر به زمان ظهور ثانوی می‌دانستند، تعالیمی نیز بود که به‌طور خاص با حالت عدم یقین و تعلیق ایشان سازگار بود و آنان را تشویق می‌کرد تا با ایمان، صبورانه انتظار بکشند که آنچه اکنون برای فهمشان تاریک است، در زمان مناسب روشن خواهد شد.»

«در میان این نبوت‌ها، نبوت حبقوق ۴-۱:۲ نیز بود: «بر دیده‌بانی خویش خواهم ایستاد، و بر برج قرار خواهم گرفت، و خواهم نگریست تا ببینم او به من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم چه پاسخ خواهم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به‌روشنی نقش کن، تا هر که آن را می‌خواند، بشتابد. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ نماید، منتظرش بمان؛ زیرا یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک جان او که متکبر است، در وی راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود زیست خواهد کرد.»»

«از همان اوایل سال ۱۸۴۲، رهنمودی که در این نبوت داده شده بود تا «رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها واضح بساز، تا هر که آن را می‌خواند بدود»، به چارلز فیچ این اندیشه را القا کرده بود که برای توضیح رؤیاهای دانیال و مکاشفه، یک جدول نبوی تهیه کند. انتشار این جدول به‌منزله تحقق فرمانی که به حبقوق داده شده بود، تلقی گردید. بااین‌حال، در آن زمان هیچ‌کس متوجه نشد که در همان نبوت، تأخیری ظاهری در تحقق رؤیا—زمانی برای درنگ—نیز ارائه شده است. پس از آن نومیدی، این آیه کتاب مقدس بسیار پرمعنا به نظر رسید: «زیرا که رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در آخر سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ نماید، منتظرش باش، زیرا یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد.... اما عادل به ایمان خود زیست خواهد نمود.» نبرد عظیم، ۳۹۱، ۳۹۲.»

دو لوح حبقوق از نظر نبوی دو شاهد هستند. از دیدگاه کتاب مقدس، دو شاهد باید با یکدیگر آورده شوند تا حقیقت تثبیت گردد.

اما اگر سخن تو را نشنود، یک یا دو تن دیگر را نیز با خود ببر، تا هر سخنی به شهادت دو یا سه شاهد ثابت گردد. متی ۸:۱۶

هنگامی که دو لوح حبقوق (نمودارهای پیشگام ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰) بر روی یکدیگر منطبق می‌شوند، حقایقی را که «جواهرات» رؤیای میلر بودند، تأیید می‌کنند. اشتباه ۱۸۴۳ که بر لوح نخست نشان داده شده است، هنگامی که با لوح دوم بر هم نهاده می‌شود، «زمان تأخیر» رؤیا را تثبیت می‌کند. میلر (دیده‌بان نمادین آن تاریخ) پرسید که در خلال مجادله تاریخ خود چه باید بگوید.

برج دیدبانی خویش خواهم ایستاد، و بر برج قرار خواهم گرفت، و دیدبانی خواهم کرد تا ببینم او با من چه خواهد گفت، و چون توبیخ شوم، چه پاسخ خواهم داد. حبقوق ۲:۱.

خداوند به میلر دستور داد که رؤیا را بنویسد، و او در خواب خود صندوقچه‌ای را که رؤیا در آن بود، بر میزی در مرکز اتاقش نهاد.

اور خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها به روشنی ثبت کن، تا هر که آن را می‌خواند، بدود. حقیق ۲:۲.

پس جداول، زمان تأخیر و نخستین نومی‌دی را مشخص می‌کنند.

زیرا این رؤیا هنوز برای زمانی معین است؛ اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت. اگرچه درنگ نماید، منتظر آن بمان؛ زیرا که یقیناً خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. حقیق ۲:۳.

سپس آن دو طبقه که بر اساس افزایش معرفت آشکار می‌شوند، به تصویر کشیده می‌شوند.

ببینید، جان او که متکبرانۀ برافراشته شده است، در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خویش زیست خواهد کرد. حقیق ۲:۴.

دو طبقات عابدین دانی ایل کے بارہویں باب میں مذکور آزمائشی عمل کے ذریعے ظاہر کی جائیں گی۔

و او گفت: «ای دانیال، به راه خود برو؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مہر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد و سفید گردانیده خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شیران به شرارت رفتار خواهند کرد؛ و هیچ‌یک از شیران نخواهند فهمید؛ لیکن حکیمان خواهند فهمید.» دانیال ۹:۱۲، ۱۰

«حکیمان» دانیال همان باکره‌گان حکیم متی باب بیست و پنج‌اند که به واسطه ایمان عادل شمرده شدند، و شیران همان باکره‌گان جاهل بودند که در غرور برافراشته شدند. در پایان رؤیای میلر، جواهرات نمودار روغن در مثل ده باکره است، که همان پیام بود.

«خدا آنگاه بی‌حرمتی می‌شود که ما پیام‌هایی را که او برای ما می‌فرستد دریافت نکنیم. بدین‌سان، آن روغن طلایی را که او می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به آنان که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که این ندا در رسد: "اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، کسانی که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند و فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند یافت که برای ملاقات با خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود قدرتی برای به دست آوردن آن روغن ندارند، و زندگی‌شان تباه می‌شود.» Review and Herald, July 20, 1897

جواهرات میلر فی الأيام الأخيرة كانت ستتألق بضياء أشد بعشرة أضعاف، كما أن العدد عشرة رمز للاختبار، وكذلك النور. وفي الأيام الأخيرة، الممثلة في خاتمة حلم ميلر، فإن نور الحق المرموز إليه على جداول حيقو ينتج رسالة اختبار، وهي في مثل العذارى العشر رسالة الاختبار المتمثلة في صرخة نصف الليل. وتلك العملية الاختبارية هي تكرار لعملية الاختبار في تاريخ الميليين، لأن مثل العذارى العشر يتكرر بالحرف نفسه في الأيام الأخيرة.

«مرا بسیار اوقات به مثل ده باکره ارجاع می‌دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل تا کوچک‌ترین جزء آن تحقق یافته است و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» Review and Herald, August 19, 1890.

د خن د وخت تجربه به د میلر د خوب په پای کې په هماغه لفظي ډول بیا تکرار شي، او د هغه ګاڼې به بیا د لمر څخه لس چنده روښانه وځلېږي؛ په دې توګه دا څرګندوي چې دغه ګاڼې د لسو پېغلو په تمثيل کې د وروستي ازموينې استازيتوب کوي. لس د ازموينې نېټه ده، او د لسو ورځو په پای

کپ دانیال او هغه درې وفادار کسان په ظاهري بڼه تر هغو کسانو ښایسته او چاغ ښکاره شول چې د بابل خواره یې خوړل. په حقوق کپ هغه متکبران چې په ایمان نه، بلکې په جسارت ژوند کاوه، د بابل خوی یې خپل کړ. د میلریانو په تاریخ کپ هغوی د بابل لوڼې شوې، او په حقوق کپ پاپیت د هغوی د سیرت د پېژندلو لپاره کارول شوې ده.

هان، اُس کی جان جو تکبر سے اُبھری ہوئی ہے، اُس کے اندر راست نہیں؛ لیکن صادق اپنے ایمان سے زندہ رہے گا۔ بلکہ یہ بھی کہ وہ مے کے سبب سے حد سے گزرتا ہے؛ وہ مغرور آدمی ہے، اپنے گھر میں ٹھہرتا نہیں، جو اپنی خواہش کو پاتال کی مانند وسیع کرتا ہے، اور موت کی طرح ہے، اور سیر نہیں ہوتا، بلکہ اپنے لیے سب قوموں کو جمع کرتا ہے، اور سب لوگوں کو اپنے پاس ڈھیر کرتا ہے۔ کیا یہ سب اُس کے خلاف ایک مثل، اور اُس کے خلاف ایک طعنہ آمیز کہاوت نہ اُٹھائیں گے، اور نہ کہیں گے: اُس پر افسوس جو اُس چیز کو بڑھاتا ہے جو اُس کی نہیں! کب تک؟ اور اُس پر بھی جو اپنے اوپر گاڑھی مٹی کا بوجھ لادتا ہے! کیا وہ چوتھے کاٹیں گے اچانک نہ اُٹھ کھڑے ہوں گے، اور وہ جو تجھ پریشان کریں گے بیدار نہ ہوں گے، اور تو اُن کے لیے لوٹ نہ بن جائے گا؟ چونکہ تو نے بہت سی قوموں کو لوٹا ہے، اسی لیے لوگوں کا سب بقیہ تجھ لوٹے گا! آدمیوں کے خون کے سبب سے، اور اُس سرزمین، اُس شہر، اور اُن سب کے خلاف کیے گئے ظلم کے سبب سے جو اُس میں بستے ہیں۔ حقوق 2:4-8۔

رونډ آزمون که بر باکره گان مټی بیست وینج عارض می شود، طبقه ای از پرستندگان را پدید می آورد که خصلت پادشاه شمال (پاپیت) را در خود پرورانده اند؛ همان قدرتی که «بسیاری از امت ها را غارت کرد.»

خداوند چنین می فرماید: اینک، قومی از سرزمین شمال می آید، و امتی عظیم از کرانه های زمین برانگیخته خواهد شد. کمان و نیزه به دست خواهند گرفت؛ سنگدل اند و رحم ندارند؛ آواز ایشان چون دریا خروشان است؛ و بر اسبان سوار می شوند، آراسته چون مردان جنگی برای نبرد بر ضد تو، ای دختر صهیون. آوازه آن را شنیده ایم: دست هایمان سست شده است؛ اضطراب ما را فراگرفته، و درد، مانند درد زنی که در حال زاییدن است. به صحرا بیرون مرو، و در راه گام زن؛ زیرا شمشیر دشمن و هراس از هر سو در کار است. ای دختر قوم من، به پلاس کمر ببند و در خاکستر بغلت؛ برای خود ماتی چون ماتم یگانه فرزند برپا کن، نوحه ای بس تلخ؛ زیرا غارتگر ناگهان بر ما خواهد آمد. ارمیا ۲۳:۶-۲۶.

دو طبقه حقوق عبارت اند از کسانی که به وسیله ایمان عادل شمرده می شوند، و کسانی که تعالیم بابل را خوردند و نوشیدند. آنان که در ایام آخر رؤیای میلر، به صورت باکرگان نمایانده شده اند، یا خلق و خوی مسیح را پرورش می دهند و بدین سان مهر خدا را دریافت می کنند، یا خلق و خوی پاپیت را در خود پرورش می دهند و نشان وحش را دریافت می کنند.

«زمان آن فرارسیده است که نور حقیقی در میان تاریکی اخلاقی بدرخشد. پیام فرشته سوم به جهان فرستاده شده است و انسان ها را هشدار می دهد که نشان وحش یا تصویر او را بر پیشانی های خود یا بر دست های خود نپذیرند. دریافت این نشان به این معناست که انسان به همان تصمیمی برسد که وحش گرفته است، و همان اندیشه ها را تبلیغ کند، در مخالفتی مستقیم با کلام خدا. خدا درباره همه کسانی که این نشان را دریافت می کنند، می گوید: "همان کس نیز از شراب غضب خدا خواهد نوشید که بی آمیختگی در جام خشم او ریخته شده است؛ و در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره، به آتش و گوگرد عذاب خواهد شد."» Review and Herald, 13 ژوئیه 1897.

آن باکرگانی که شراب بابل را می نوشند، سرانجام شراب غضب خدا را خواهند نوشید. در اشعیا، مستان افرایم مستی کور خود را با وارونه ساختن امور آشکار می سازند، و آن عمل باید همچون «گل کوزه گر» محسوب گردد.

”روزانہ“ را اگر نمادی از مسیح بدانیم، حقیقت ”روزانہ“ وارونہ می‌شود، زیرا ”روزانہ“ نمادی شیطانی است۔ تشخیص میلر مبنی بر این کہ ”روزانہ“ همان بت پرستی است، به طور مستقیم بر الواح حقوق بازنمایی شده است۔ کشف میلر درباره آن بخش از رسالہ تسالونیکیان، کہ به او امکان داد دریابد آنچه ”برداشتہ شد“ بت پرستی بود، تا ”مرد گناہ“ کہ در ہیکل خدا می‌نشیند آشکار گردد، حقیقت اصلی مندرج در باب دوم رسالہ دوم به تسالونیکیان است۔

»در خواندن ادامہ دادم، و هیچ مورد دیگری نیافتم کہ در آن، آن [قربانی دائمی] یافت شود، مگر در دانیال۔ سپس [بہ یاری یک فرهنگ واژگان کتاب مقدسی] آن واژگانی را کہ با آن در ارتباط بودند برگزفتم: »برداشتن«؛ او قربانی دائمی را برخواہد داشت؛ »از زمانی کہ قربانی دائمی برداشتہ شود«، و غیرہ۔ بہ خواندن ادامہ دادم، و می‌اندیشیدم کہ بر این متن هیچ نوری نخواہم یافت؛ سرانجام بہ دوم تسالونیکیان ۲، ۷، ۸ رسیدم۔ »زیرا سر بی دینی ہم اکنون عمل می‌کند؛ فقط آن کہ اکنون مانع است، مانع خواہد بود تا وقتی کہ از میان برداشتہ شود، و آنگاہ آن شریر ظاہر خواہد شد«، و غیرہ۔ و چون بہ آن متن رسیدم، آہ، حقیقت چہ روشن و جلال آمیز نمودار شد! اینجاست! این همان قربانی دائمی است! خوب، اکنون، پولس از »آن کہ اکنون مانع است«، یا باز می‌دارد، چہ مراد می‌کند؟ از »مرد گناہ« و »آن شریر«، پاپیت مراد است۔ بسیار خوب، آن چیزی کہ مانع از آشکار شدن پاپیت می‌شود چیست؟ چرا، آن بت پرستی است؛ پس، »قربانی دائمی« باید بہ معنای بت پرستی باشد۔—ویلیام میلر، Second Advent Manual، صفحہ 66۔ Advent Review and Sabbath Herald، 6 ژانویہ 1853۔

معنای »قربانی دائم« در تسالونیکیان، کہ میلر آن را کشف کرد، حقیقت اصلی این بخش است۔ هنگامی کہ پولس کسانی را کہ محبت حقیقت را نمی‌پذیرند و از این رو دچار ضلالت شدید خواہند شد مشخص می‌سازد، بی تردید بہ دشمنی با حقیقت بہ معنای عام اشارہ می‌کند؛ اما حقیقتی کہ در این بخش بہ طور مستقیم بدان ارجاع شدہ، این است کہ »قربانی دائم« نمایانگر روم بت پرست است۔

جسم کا چراغ آنکھ ہے؛ پس اگر تیری آنکھ ایک ہو تو تیرا سارا جسم نور سے بھرا ہوگا۔ لیکن اگر تیری آنکھ بری ہو تو تیرا سارا جسم تاریکی سے بھرا ہوگا۔ پس اگر وہ نور جو تجھ میں ہے تاریکی ہو تو وہ تاریکی کیسی بڑی ہوگی! کوئی آدمی دو مالکوں کی خدمت نہیں کر سکتا؛ کیونکہ یا تو ایک سے عداوت رکھے گا اور دوسرے سے محبت کرے گا، یا ایک سے لگا رہے گا اور دوسرے کو حقیر جانے گا۔ تم خدا اور دولت دونوں کی خدمت نہیں کر سکتے۔ متی 22: 24-6۔

یا محبت حق موجود ہے، یا نفرت حق۔ اس کے درمیان کوئی راہ نہیں۔ متی پچیس کی نادان کنواریوں پر جو سخت گمراہی آتی ہے، وہ میلر کے جواہرات کی اس روشنی کے انکار پر مبنی ہے جو آخری آزمائش کی نمائندگی کرتی ہے۔ قدیم اسرائیل کی آخری آزمائش ان کی دسویں آزمائش تھی، اور آخری ایام میں میلر کے جواہرات دس گنا زیادہ روشن چمکتے ہیں۔ میلر کے جواہرات کے رد کا نشان ”روزانہ“ ہے، جسے افرائیم کے بے خواروں نے ایڈونٹ ازم کی تیسری نسل میں الٹ پلٹ کر دیا۔ ”روزانہ“ بت پرستی کی ایک شیطانی علامت ہے۔ ان بے خواروں نے ایک جعلی جواہر متعارف کرایا، جسے وہ برگشتہ پروٹسٹنٹ ازم سے لائے تھے، اور جو ”روزانہ“ کو مسیح کی علامت کے طور پر متعین کرتا ہے۔

فہم میلر لجواہرہ کان محدوداً بالتاریخ الذی اُقیم فیہ۔ وإذ کان مقتنعاً بأنّ المجيء الثاني هو الحدث النبوي التالي، فإنّ الجرح الممیت للبابویة سنة 1798 لم یکن یمکنہ إلا أن یمثل المملکة الأرضیة الرابعة والأخيرة في دانیال 2۔ وکان میلر أيضاً محدوداً في فهمه لـ »المستمر«، لأن شهادته تفید بأنہ أرشد، من خلال الإعلان، إلى منهج محدّد للدراسة، وقد ذکر أنه استخدم کتابه المقدس، و»معجم کروین Concordance«، وقرأ بعض الصحف۔ أمّا قراره أن یدرس علی ذلك النحو، فقد خطر ببساطة في ذهنه۔

»در طی دوازده سالی کہ دھری مسلک بودم، ہر تاریخی را کہ می توانستم بیابم می خواندم؛ اما اکنون کتاب مقدس را دوست می داشتم، زیرا درباره عیسی تعلیم می داد! با این ہمہ، هنوز بخش قابل توجہی از کتاب مقدس برای من تاریک بود. در سال 1818 یا 19، ہنگامی کہ با دوستی کہ بہ دیدارش رفتہ بودم گفتگو می کردم، و او مرا در زمانی کہ دھری مسلک بودم می شناخت و [شنیدہ] بود کہ سخن می گفتم، با لحنی نسبتاً معنادار پرسید: «دربارہٴ این آیہ و آن آیہ چہ می اندیشی؟» و بہ همان متونی قدیمی اشارہ می کرد کہ در دوران دھری مسلکی ام بہ آنها اعتراض داشتم. مقصود او را دریافتم و پاسخ دادم—اگر بہ من فرصت بدہی، بہ تو خواہم گفت کہ معنای آنها چیست. «چہ مقدار زمان می خواہی؟» پاسخ دادم: نمی دانم، اما بہ تو خواہم گفت؛ زیرا نمی توانستم باور کنم کہ خدا مکاشفہ ای عطا کردہ باشد کہ نتوان آن را فہمید. آنگاہ مصمم شدم کہ کتاب مقدسم را مطالعہ کنم، با این ایمان کہ می توانم دریابم روح القدس چہ منظوری داشتہ است. اما بہ محض آنکہ این تصمیم را گرفتم، این اندیشہ بہ ذہنم آمد—«اگر بہ عبارتی برخورد کنی کہ نتوانی آن را بفہمی، چہ خواہی کرد؟» سپس این شیوہ مطالعہٴ کتاب مقدس بہ ذہنم رسید:—واژہ های چنین عبارات را برخواہم گرفت، و آنها را در سراسر کتاب مقدس دنبال خواہم کرد، و بدین گونه معنای آنها را خواہم یافت. من «تطبیق نامہٴ کرودن» را داشتم، کہ بہ گمانم بہترین در جہان است؛ پس آن را ہمراہ با کتاب مقدسم برداشتم و پشت میز خود نشستم، و ہیچ چیز دیگری نخواندم، مگر اندکی روزنامہ ها، زیرا مصمم بودم بدانم کتاب مقدسم چہ معنا می دہد. *Apollos Hale, The Second Advent Manual, 65*»

جواہرات میلر نہ تنها بہ واسطہٴ روش مطالعہٴ او شناختہ شد، بلکہ ہمچنین از طریق مکاشفہٴ مستقیم از جانب خدا نیز آشکار گردید.

»خدا فرشتہٴ خود را فرستاد تا بر دل کشاورزی کہ بہ کتاب مقدس ایمان نداشت اثر گذارد و او را برانگیزد تا در نبوت ہا بہ جست وجو بپردازد. فرشتگان خدا بارہا و بارہا از آن برگزیدہ دیدار کردند تا ذہن او را ہدایت کنند و نبوت ہایی را کہ ہموارہ برای قوم خدا تاریک مانده بود، بر فہم او بکشایند. آغاز زنجیرہٴ حقیقت بہ او دادہ شد، و او ہدایت گردید تا پیوندی پس از پیوندی دیگر را بجوید، تا آن کہ با شگفتی و تحسین بہ کلام خدا نگریست. او در آن جا زنجیرہ ای کامل از حقیقت را دید. آن کلامی کہ آن را الہام نشدہ می پنداشت، اکنون با زیبایی و جلالش پیش روی دیدگان او گشودہ شد. او دید کہ بخشی از کتاب مقدس، بخش دیگر را توضیح می دہد، و ہنگامی کہ فہم او از آیہ ای بستہ می شد، در بخش دیگری از کلام آنچه را می یافت کہ آن را تبیین می کرد. او کلام مقدس خدا را با شادی و با عمیق ترین احترام و ہیبت می نگریست. *Early Writings, 230*»

وقتی خواہر وایت بیان می دارد کہ «خدا فرشتہٴ خود را» نزد میلر فرستاد، این دلالت بر آن دارد کہ جبرائیل همان فرشتہ ای بود کہ نزد میلر فرستادہ شد، زیرا «فرشتہٴ خود» عنوانی است کہ بہ جبرائیل اطلاق می شود.

»این سخنان فرشتہ کہ گفت: "من جبرئیل ہستم کہ در حضور خدا می ایستم"، نشان می دہد کہ او در دربارہای آسمانی مقامی بس ارجمند دارد. ہنگامی کہ او با پیامی نزد دانیال آمد، گفت: "و ہیچ کس در این امور با من ایستادگی نمی کند، جز میکائیل [مسیح]، رئیس شما." دانیال 10:21. دربارهٴ جبرئیل، نجات دہندہ در مکاشفہ چنین می فرماید کہ "آن را بہ وسیلہٴ فرشتہٴ خود بہ بندہٴ خویش یوحنا فرستاد و معلوم گردانید." مکاشفہ 1:1. «آرزوی اعصار، 99.

جبریل اور دیگر فرشتوں نے ملر کے «ذہن اور دل» کی راہ نمائی کی اور «اس کی سمجھ کے لیے اُن پیشین گوئیوں کو کھول دیا جو اب تک خدا کے لوگوں پر تاریک رہی تھیں۔» اُس کا پیغام محض اُس کے مطالعہ کے طریقہ کار ہی سے تشکیل نہیں پایا، بلکہ الہی مکاشفہ کے ذریعے بھی ملا۔ بائبل کا مطالعہ کرنے کے لیے جو عین طریقہ اُس نے اختیار کیا، وہ خود اُس کے ذہن میں آیا۔ جب خدا ہمارے ذہن میں

سچائی لاتا ہے، تو یہ الہی مکاشفہ ہوتا ہے، اس کے برخلاف کہ انسان بائبل کو صحیح طور پر تقسیم کرنے کے عمل کے ذریعے سچائی تک پہنچے۔ ملرنے دونوں کام کیے، لیکن موضوع «روزانہ» کو سمجھنے میں الہی مکاشفہ بھی اُن ذرائع میں شامل تھا جن کے وسیلے سے ملر اس فہم تک پہنچا۔

میلر نوسان جنسیتی دانیال فصل ہشت، آیات نہ تا دوازده را تشخیص نمی‌داد، زیرا تمام آنچه در اختیار داشت کتاب مقدس و یک واژه‌نامہ تطبیقی بود کہ از ہرگونہ اطلاعات مربوط بہ زبان‌های کتاب مقدسی تھی بود۔ او تمایز میان «sur» و «rum» را کہ ہر دو بہ «برداشتن» ترجمہ شدہ‌اند، نمی‌دید۔ همچنین تمایز میان «miqdash» و «qodesh» را کہ ہر دو بہ «مقدس» ترجمہ شدہ‌اند، مشاہدہ نمی‌کرد۔

او حقیقت لفظ 'tamid' را کہ یکصد و چہار بار در کتاب مقدس آمدہ است، نمی‌توانست ببیند۔ حقیقتی کہ او نمی‌توانست ببیند (و در عین حال همان حقیقتی کہ دید) این بود کہ از میان آن یکصد و چہار باری کہ واژہ عبری 'tamid' در کتاب مقدس بہ کار رفته است، تنها در کتاب دانیال است کہ این واژہ عبری 'tamid' بہ صورت اسم بہ کار رفته است۔ 'Tamid' واژہ عبری‌ای است بہ معنای «دائمی»، و در کتاب دانیال بہ «قربانی دائمی» ترجمہ شدہ است۔

فقط در کتاب دانیال است کہ این واژہ بہ صورت اسم بہ کار رفته است، و در نود و نہ مورد دیگر بہ صورت قید استعمال شدہ است۔ از این رو، ہنگامی کہ مترجمان کتاب مقدس کینگ جیمز با این واقعیت روبہ رو شدند کہ دانیال این واژہ را پنج بار بہ صورت اسم بہ کار بردہ است، در حالی کہ سایر نویسندگان کتاب مقدس آن را نود و نہ بار بہ صورت قید بہ کار بردہ بودند، تحت فشار سنگینی شواہد ناگزیر شدند کاربرد این واژہ را از سوی دانیال بہ عنوان اسم «اصلاح» کنند۔ برای آنکہ دانیال را «اصلاح» کنند، واژہ «قربانی» را بہ آن افزودند، و بدین سان اسمی را بہ قید تبدیل کردند۔ سپس، برای اصلاح مترجمان، بہ الن وایت الہام شد کہ ثبت کند: «در ارتباط با "Daily"، دیدم کہ واژہ "sacrifice" بہ وسیلہ حکمت انسان افزودہ شدہ است، و بہ متن تعلق ندارد؛ و اینکہ خداوند دیدگاہ درست آن را بہ کسانی عطا کرد کہ پیام ساعت دآوری را اعلام کردند۔»

শেষে তিনি যা, করছিলেন চেষ্টা বুঝতে, "the daily" অনুযায়ী সাক্ষ্য নজিসব তাঁর, মলিার সাক্ষ্য নজিরে তাঁর, সঙগে একই কনিতু। করছিলেন উপলব্ধি পিতরে থসিলনকীয় ২ পরযনত যখনে শব্দটি সেই তিনি গিয়ে করতে অনুবষণ অর্থ শব্দরে একটি কোনো, অনুযায়ী আরও বাইবলে শব্দটি সেই অথচ; করতেন ববিচেনা স্থানই সব, হয়ছে বযবহৃত যখনে এটিকে তিনি, যে এই সাক্ষ্য তাঁর সম্বন্ধে "the daily" তবু। হয়ছে বযবহৃত নরিনব্বইবার, "I read on, and could বলছিলেন তিনি যখন, পানন কীথাও আর ব্যতীত গ্রন্থ দানয়িলে তাঁর কবেল মলিার find no other case in which it [the daily] was found, but in Daniel." ঐশী প্রদত্ত তাঁকে মাধ্যমে পরচিহ্নার স্বর্গদূতদের বরং, নয় দ্বারা অধ্যয়নপদ্ধতির। হয়ছিলেন পরচালতি কাছে রতনসমূহের সেই দ্বারাও প্রত্যাশেরে

به همین سبب بود کہ درک او از «قربانی دائمی» درست بود، اما محدود۔ او نمی‌توانست تشخیص دہد کہ از میان پنج بار کہ «قربانی دائمی» در کتاب دانیال ذکر شدہ است، یکی از آن سه باری کہ «قربانی دائمی» «برداشتہ می‌شود»، معنایی متفاوت از دو بار دیگر دارد۔ یک بار «قربانی دائمی» با واژہ عبری «rum» بہ کار رفته است و دو بار دیگر با واژہ عبری «sur»۔ ہر دو واژہ بہ «برداشتن» ترجمہ شدہ‌اند، اما «rum» در دانیال باب ہشت، آیہ یازدہ، بہ معنای برافراشتن و exalt است، و در باب یازدہ، آیہ سی و یک، و باب دوازده، آیہ یازدہ، واژہ «sur» بہ معنای برطرف کردن است۔

الہی‌دانانی کہ از خوراک و شراب باہلی تغذیہ می‌کنند، استدلال می‌کنند کہ خواہ چیزی را بردارید و خواہ چیزی را برافرازید، ہر دو نمایانگر نوعی برطرف کردن‌اند؛ بنابراین، ہر دو واژہ باید دارای یک

معنا دانسته شوند. آنان استدلال می‌کنند که در هر سه موردی که «دائمی» «برداشته می‌شود»، همواره معنای آن برطرف‌کردن است، و با این کار، القا می‌کنند که دانیال در انتخاب واژگان خود بی‌دقت بوده است. آنان این را آشکارا نمی‌گویند، اما به‌طور ضمنی تعلیم می‌دهند که دانیال می‌بایست در هر سه مورد از واژه «سور» استفاده می‌کرد، زیرا بنا بر نظر این الهی‌دانان، او ظاهراً هر بار که «دائمی» «برداشته می‌شد»، همان معنا را اراده کرده بود.

آنان همین کار را با واژه‌های «miqdash» و «qodesh» نیز انجام می‌دهند؛ واژه‌هایی که هر دو در آیات یازده تا چهارده باب هشتم به «مقدس» ترجمه شده‌اند. در هر موردی که «مقدس» در آن چهار آیه آمده است، اصرار می‌ورزند که همگی به مقدس خدا اشاره دارند. باز هم به اقتضای این استنباط، دانیال می‌بایست در هر سه مورد فقط از «qodesh» استفاده می‌کرد و در آیه یازده «miqdash» را به کار نمی‌برد. میلر تمایز میان آن واژه‌ها را تشخیص نداده بود، اما الهی‌دانان معاصر آن را تشخیص می‌دهند، و چون چنین می‌کنند، اصرار دارند که هیچ تمایزی نباید پذیرفته شود. با این همه، میلر، که تمایزهای میان آن واژه‌ها را تشخیص نداده بود، به برداشتی درست مخالف برداشت الهی‌دانان معاصر رسید.

حقیقت این است که دانیال نویسنده‌ای دقیق بود؛ کسی که زبان عبری را می‌دانست و او را ده برابر داناتر از تمامی حکیمان دیگر بابل داوری کرده بودند. اگر کسی از کاربرد درست زبان عبری و از این که در آن تاریخ خاص چگونه باید به درستی بازنمایی شود آگاه بود، آن شخص دانیال بود. اگر دانیال از واژه‌های متفاوت استفاده کرده است، از آن رو بوده که آن واژه‌ها برای رساندن معانی متفاوت در نظر گرفته شده بودند؛ معنای‌ای که او عمداً در پی بیان آن‌ها بود. هنگامی که کاربرد متمایز دانیال از واژه‌هایی که به «مقدس» یا به «برداشتن» ترجمه شده‌اند مورد اعتراف قرار گیرد، آن‌ها فهم میلر از «دائمی» را تأیید می‌کنند؛ همان فهمی که میلر آن را دقیقاً در همان عبارتی تشخیص داد که در آن پولس مشخص می‌سازد آنان که از حقیقت نفرت دارند مقدرند که به گمراهی شدید گرفتار شوند.

کسانی که از حقیقت نفرت دارند و دروغی را که گمراهی شدید پدید می‌آورد باور می‌کنند، همچنین به‌عنوان مستان افرایم نیز به تصویر کشیده شده‌اند؛ کسانی که در دو طبقه معرفی می‌شوند. یک طبقه، رهبری دانش‌آموخته است و طبقه دیگر، بی‌سوادانی هستند که تنها آنچه را دانش‌آموختگان به ایشان تعلیم می‌دهند خواهند شنید. ایشان همان کسانی‌اند که زیر دروغ‌ها پنهان می‌شوند و با مرگ عهد می‌بندند. آنان باکره‌های جاهل متی بیست‌وپنچ‌اند، و همان کسانی‌اند که جانیشان در حقوق دو متکبرانه برافراشته شده است. ایشان کسانی‌اند که حقایق بنیادی رؤیای میلر را که در پایان ده بار درخشان‌تر می‌درخشند رد می‌کنند؛ امری که نمایانگر دهمین و آخرین آزمون برای اسرائیل مدرن است، چنان‌که به‌وسیله دهمین و آخرین آزمون برای اسرائیل باستانی پیش‌نمون شده بود.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

اور خداوند به موسی گفت: «این قوم تا به کی مرا به خشم خواهند آورد؟ و تا به کی، با وجود همه آن آیات که در میان ایشان ظاهر کرده‌ام، به من ایمان نخواهند آورد؟ ایشان را به ویا خواهم زد و از میراث محرومشان خواهم ساخت، و از تو امتی بزرگ‌تر و نیرومندتر از ایشان پدید خواهم آورد.» و موسی به خداوند گفت: «آنگاه مصریان آن را خواهند شنید، زیرا تو این قوم را به قوت خویش از میان ایشان بیرون آوردی؛ و آن را به ساکنان این سرزمین بازخواهند گفت، زیرا شنیده‌اند که تو، ای خداوند، در میان این قوم هستی، و تو، ای خداوند، روبه‌رو دیده می‌شوی، و ابر تو بر فراز ایشان ایستاده است، و تو روزها در ستون ابر و شب‌ها در ستون آتش پیشاپیش ایشان می‌روی. پس اگر این قوم را همچون یک تن همگی بکشی، آنگاه امت‌هایی که آوازه تو را شنیده‌اند، خواهند گفت: چون خداوند نتوانست این قوم را به زمینی که برای ایشان قسم خورده بود درآورد، بنابراین ایشان را در بیابان کشته است.»

و اکنون، تمنا دارم که قدرتِ خداوندِ من عظیم گردد، چنان که تو گفته‌ای و فرموده‌ای: «خداوند دیرغضب و کثیرالرحمه است، گناه و عصیان را می‌آمرزد، اما هرگز گناهکار را بی‌سزا نمی‌گذارد، و گناه پدران را تا نسل سوم و چهارم بر فرزندان می‌رسد.» پس، تمنا دارم که گناه این قوم را بر حسب عظمت رحمت خویش بیامرزی، همان‌گونه که این قوم را از مصر تا کنون آمرزیده‌ای. و خداوند فرمود: «بر وفق کلام تو آمرزیدم؛ لیکن به حیات خودم سوگند، تمامی زمین از جلال خداوند پر خواهد شد. زیرا همه آن مردانی که جلال مرا و معجزاتی را که در مصر و در بیابان به جا آوردم دیدند، و اکنون این ده بار مرا آزمودند و به آواز من گوش ندادند، یقیناً زمینی را که برای پدران ایشان قسم خوردم نخواهند دید، و هیچ‌یک از آنان که مرا به خشم آوردند آن را نخواهند دید. اما بنده من کالیب، چون در او روحی دیگر بود و مرا به تمامی پیروی کرده است، او را به زمینی که بدان داخل شد خواهم آورد، و نسل او آن را به ملکیت خواهند گرفت.» اعداد 14:11-24.